

بسم الله الرحمن الرحيم

امام جواد (ع)، الگوی مدیر جوان موفق

کانال حکمت بیان:

<https://eitaa.com/hekmatebayan>

سیر بحث:

ما می خواهیم در مخاطب نسبت به جواد الائمه (ع)، تغییر نگرش ایجاد کنیم، معمولاً مردم امام جواد (ع) را به عنوان امام بخشنده و باب الحوائج و مولود با برکت می شناسند، اما ما در این سخنرانی، امام جواد (ع)، را با شواهد تاریخی، به عنوان الگوی مدیر جوان موفق، معرفی می کنیم سپس به نقش مدرسه و خانواده در تقویت استعداد مدیریت جوانان اشاره می کنیم که رکن اصلی این تقویت استعداد مدیریت سپردن مسئولیت برای برانگیختن احساس مسئولیت است. در ضمن پیام افزایش جمعیت را نیز در قالب نقش کثرت فرزندان در تقویت قدرت مدیریت بچه ها و خطرهای کاهش جمعیت اشاره می کنیم. در نهایت مهم ترین اقدام عملی برای فرج را، هر اقدامی که موجب تقویت قدرت مدیریت جوانان است ذکر می کنیم چرا که فرمود یاران حضرت، جوان هستند و مدیران عالم.

بُعد فراموش شده شخصیت امام جواد (ع)

ما معمولاً امام جواد (ع) را به چه اوصافی می شناسیم؟ به جود و بخشش می شناسیم، به باب الحوائج بودن، به اینکه مولودی با برکت تر از این مولود وجود ندارد، و اینکه امام رضا (ع) چقدر به امام جواد (ع) علاقه داشتند، به همین چند اوصاف می شناسیم اما آیا ابعاد شخصیتی امام جواد (ع) ، خلاصه در همین چند وصف می شود؟

اما اگر شما قدری روی زندگی امام جواد (ع) تمرکز کنید، برخی دیگر از ابعاد شخصیتی حضرت جواد (ع) برای شما تجلی پیدا می کند. با خودتان می گوید چقدر جالب! چرا تا به حال به این ابعاد شخصیتی حضرت جواد (ع) دقت نکرده بودم؟ و چقدر بین امام جواد (ع) ذهن ما، با امام جواد(ع) در بیرون از ذهن ما و در واقعیت فاصله وجود دارد؟

اگر مهم ترین ماموریت اهل بیت (ع) ، مدیریت سیاسی جامعه است. پس باید اصلی ترین فعالیت حضرت جواد (ع) را اینجا جستجو کنیم. شما وقتی که زندگی جواد الائمه (ع) را مطالعه می کنی، در یک جمله می توانی بگویی، امام جواد (ع) ، الگوی یک مدیر موفق جوان است.

آن چیزی که از زندگی امام جواد (ع) ، رخ نمایی می کند و بسیار برجسته است، شیوه مدیریت امام جواد (ع) است. چیزی که کمتر معرفی شده در حالی که بیشترین فعالیت جواد الائمه (ع) ، مدیریت یک تشکیلات بزرگ و یک سازمان گسترده است.

جغرافیای مدیریت امام جواد (ع)

وقتی شما، جغرافیای مدیریت امام جواد (ع) را می بینید، تازه پی می برید که چقدر کار حضرت گسترده و چه منطقه ای وسیعی را پوشش می داده و آنها مدیریت می کردند.

البته این گستردگی به معنای فراوانی نیست ولی این تشکیلات مدیریت می شد، یعنی برای هر منطقه، مدیری انتخاب می شد. و کاره های گسترده مدیریتی به او سپرده می شد. از قبیل جمع آوری اموال، تا رسیدگی به محرومان، آموزش و بسیاری از نیازهای گسترده جامعه شیعی تامین می شد با این شبکه گسترده که توسط حضرت جواد (ع) مدیریت می شد. عزل و نصب داشت، توییح داشت، گردش مالی دارد، با همه محدودیتی های که حضرت دارند این کار با مدیریت حضرت انجام می شد.

منطقه ایران بیشترین عرصه فعالیت مدیریت حضرت

بنابر فراوانی اصحاب حضرت، بیشترین فعالیت مدیریت حضرت هم مربوط به منطقه ایران است. البته در زمان ائمه (علیهم السلام)، سرزمینی به نام ایران مطرح نبود و در تقسیم بندی کلی سرزمین ها، آن را سرزمین «فُرس» می نامیدند و در تقسیم بندی جزئی، هر بخشی از ایران نام خاصی داشت. جبال (جَبَل)، خراسان، سجستان، آذربایجان و ... از آن جمله اند. و تشکیلات گسترده حضرت جواد ع در این منطقه به شدت فعال بوده است.

شهرهای مشهوری در منطقه جبال بوده که می توان به قم، آبه، ری، کاشان، همدان، دینور و برخی شهرهای دیگر اشاره کرد. البته به رغم آن که تشیع در جبل به نسبت سایر سرزمین های ایران نمود بیش تری داشت، این بدین معنا نیست که شیعیان در این منطقه وسیع در اکثریت بودند و یا تمام شهرهای جبل شیعی بودند. حداقل در قم، همدان و ری، از کانون هایی بودند که امام جواد (ع) در آن ها وکیل و نمایندگان داشتند.

دایره وکلا در مناطق مختلف

برخی از مهم‌ترین وکیلانی که حضرت داشتند، عبارت بودند از: علی بن مهزیار در اهواز، ابراهیم بن محمد همدانی در همدان، یحیی بن ابی عمران در ری، یونس بن عبدالرحمن و ابو عمرو حذاء در بصره، علی بن حسان واسطی در بغداد، علی بن اسباط در مصر، صفوان بن یحیی در کوفه، صالح بن محمد بن سهل و زکریا ابن آدم در قم.

یکی از اقدامات مهم امام آن بود که به وکلای خود اجازه دادند تا درون دستگاه حاکمیتی نفوذ کنند، مناصب حساس حکومتی را دست گیرند. هم چنین برخی از کارگزاران امام نیز به عنوان حاکم شهرها منصوب شدند.

شیوه مدیریت امام جواد (ع)، با گماردن ابراهیم بن محمد همدانی

فقط یک نمونه از مدیریت امام جواد (ع) بر این تشکیلات گسترده را عرض کنم. یکی از نیروهای تشکیلات گسترده امام جواد (ع)، نامش ابراهیم بن محمد همدانی از سوی امام جواد (ع) وکیل منطقه جَبَل بود.

ابراهیم چهل بار به زیارت کعبه مشرف شده بود. آن حضرت طی نامه‌ای به او نوشتند: تقبل الله منك و رضی عنهم و جعلهم معنا فی الدنيا و الآخرة؛ و جوه ارسالی به من رسید؛ خدا از تو قبول فرموده، از شیعیان ما راضی باشد و آنان را در دنیا و آخرت در جوار ما قرار دهد.

از این روایت به طور صریح، مسئولیت مالی این وکیل روشن می‌شود که اموالی از شیعیان دریافت و برای امام ارسال می‌کرد. حضرت جواد (ع) در ادامه نامه می‌نویسند: سفارش شما را به نضر بن محمد همدانی کرده، موقعیت تو را نزد خودم به اطلاع وی رساندم و به او نوشتم که

متعرض شما نباشند و به ایوب بن نوح دراج نیز چنین دستور دادم. هم چنین به دوستان خود در همدان نامه ای نوشته، به ایشان تأکید کردم که از شما پیروی کنند؛ زیرا من جز تو وکیل در آن ناحیه ندارم.

معلوم می شود این تشکیلات مدیریت می شود، عزل و نصب دارد، گردش مالی دارد. مدیریت می شود. مثلاً امام جواد (ع) دو وکیل و نماینده سیار به نام های مسافر و میمون به نواحی مرکزی ایران، از جمله قم، ارسال فرمود تا ضمن تماس با وکیل های مقیم، وجوه شرعی جمع شده در نزد آنان را نیز اخذ و به نزد حضرت ببرند. زکریا بن آدم که وکیل برجسته حضرت در قم بود، به علت مشاهده اختلافی که بین این دو نماینده سیار بروز کرد از تحویل وجوه شرعی خودداری نمود. این امر موجب شد امام از طریق احمد بن محمد بن عیسی قمی پیامی به زکریا مبنی بر لزوم ارسال وجوه شرعی بفرستند.

نفرین امام شامل نیروی منحرف مالی در تشکیلات

در نقل دیگری هست که یکی از نمایندگان حضرت آقای «صالح بن محمد بن سهل همدانی» است. از وکلای وقف در قم بود، در دوران وکالتش، ده هزار درهم از اموال متعلق به امام جواد (ع) را بدون اذن حضرت مصرف کرد. سپس به نزد آن جناب آمده و عرض کرد: «یابن رسول الله مرا درباره ده هزار درهم که خرج کرده ام، حلال کن!» حضرت نیز در پاسخ فرمودند: «حلال است!» ولی هنگامی که وی از نزد حضرت خارج شد آن حضرت به ابراهیم بن هاشم که در مجلس حضور داشت فرمودند: «برخی از اینان اموال و حقوق آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و فقرا و مساکین و ابناء سیبیل آنان را به ناحق مصرف کرده سپس نزد من آمده و طلب

حلیت می کنند، آیا گمان می کنی که من در مواجهه با آنان می گویم: حلال نمی کنم؟! به خدا قسم روز قیامت از اینان به سختی سؤال خواهد شد.»

این تشکیلات بزرگ و گسترده، توسط جواد الائمه (ع) مدیریت می شود بدون کمترین مراجعه به امام. به قدری که علت اینکه از جواد الائمه (ع) روایات کمتری به ما رسیده همین ذکر شده که مردم به نمایندگان خودشان مراجعه می کردند و در این تشکیلات مردم به خوبی با نمایندگان حضرت ارتباط برقرار می کردند.

بچه ها را مدیر تربیت کنیم

بنابراین امام جواد (ع)، الگوی یک مدیر جوان موفق است. ما چقدر از این الگو خبر داریم؟ ما امروز در عرصه مدیریت، چقدر به جوانان میدان می دهیم تا بتوانند توان مدیریتی خودشان را نشان دهند؟

الان متاسفانه، در مدارس ما، بچه ها به عنوان مدیر تربیت نمی شوند؟ دو واحد درستی به ما معرفی کنید که توان مدیریت بچه ها را آموزش نظری و عملی می دهد؟ یک مدرسه در ایران به بنده معرفی کنید که بچه ها را مدیر تربیت می کنند؟ مدیریت خودش و نفسش بگیر تا مدیریت جامعه.

چگونه مدیریت در مدرسه تقویت می شود؟ ۱. تمرین برنامه ریزی کردن توسط بچه ها

یکی از راه های تقویت مدیریت بچه ها در مدرسه، تمرین برنامه ریزی کردن است. چون مدیریت یعنی برنامه ریزی. یکی یکی از ارکان مدیریت این است. حالا دبستان کجاست؟ جایی که معلم بیاید با بچه ها واقعاً مثل آدم برخورد کند؛ مثلاً اینکه اول هفته بگوید «بچه ها بیاید

برنامه این هفته مان را تنظیم کنیم» یعنی اجازه بدهد هرکسی برنامه ریزی کند، شما چه کار می‌کنی؟ شما چه کار می‌کنی؟ و... برنامه کلاس مان را چطور مرتب کنیم؟ یک روز وقت بگذارند برای برنامه ریزی کردن. به جای اینکه یک قیفی بگذارند روی سر بچه‌ها و مدام مطالب را به مغز آنها تزریق کنند! این جنایت در حق دانش‌آموز است! یک روز تعطیل کنید و وقت را بگذارید برای برنامه ریزی! نترسید با این کار بچه‌ها بی‌سواد نمی‌شوند، بلکه اگر درست کار شود، دانشمند خواهند شد و از علم شما جلوتر خواهند زد.

دوباره هفته بعد، یک روز وقت بگذارید و بگویید: هفته گذشته که برنامه ریزی کردیم، کجایش را موفق نبودیم؟ تو چطور برنامه ریزی کردی؟ او چطور برنامه ریزی کرد؟... بچه باید هفت سال با سرپرستی معلم، مدیریت و برنامه ریزی را تمرین کند. بعد از هفت سال، او را رها کنید و بگذارید خودش مدیریت کند، بگویید: «من به تو مشورت می‌دهم» در این صورت این بچه، آدم بار می‌آید. این انسان عاشق دین می‌شود، چون می‌بیند که در دین خیلی برنامه هست! اصلاً آدمی که اهل برنامه نیست فهم این را ندارد که دین را درک کند!^۱

۲. سرگروه شدن

رسول خدا(ص) می‌فرماید: وقتی سه نفر شدید، یک نفر رئیس بشود «إِذَا كَانُوا ثَلَاثَةً فَأَمْرُوا أَحَدَهُمْ وَتَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ وَتَأَلَّفُوا» (کنز العمال/ج ۶/ص ۷۱۷/ح ۱۷۵۴۹) بعد از اینکه فرمود «یک نفر رئیس بشود» می‌فرماید «با هم الفت داشته باشید» این یک دستور اخلاقی است، اما قبلش فرموده بود که برای خودتان رئیس و مدیر تعیین کنید. (این در آداب سفر ذکر شده است)

^۱ علیرضا پناهیان، آخرین آمادگی برای ظهور؛ اصلاح مدیریت در خانواده و جامعه - جلسه ۴

وقتی چند نفر به سفر می‌روند و یک نفر را رئیس تعیین می‌کنند، طبیعتاً او حاکمیت محض ندارد و بالاخره در طول سفر باهم الفت دارند، کما اینکه الان مرسوم است در سفرهای چندنفره، اول یک نفر را به عنوان مادرخرج تعیین می‌کنند و بعد، سفر را آغاز می‌کنند.

حالا همین طرح شما در مدرسه اجرا کن. بچه‌ها را گروه بندی کن و به صورت گردشی اعضای گروه را سرپرست گروه قرار بده. ببینید چه اتفاقات خوبی در مدیریت می‌افتد. اصلاً کم کم سرفصل‌های مدیریت کودکان و نوجوانان در یک کار عملی، در می‌آید.

در خانه، قدرت مدیریت فرزندان نه قدرشناسی می‌شود نه قیمتش مشخص می‌شود و نه فرصت بروز استعداد مدیریت فرزندان پیدا می‌شود.

خواهش می‌کنم خانم‌ها اجازه بدهید در خانه، بچه پدر را به عنوان یک مدیر موفق ببینند و بشناسند. مزه موفقیت در مدیریت می‌رود زیر کام بچه‌هایتان. شما پدر را مدیریت نکنید. پس فردا بچه‌های شما مدیر خوبی نخواهند شد نه مدیر خانواده نه مدیر جامعه. شاید به همین دلیل ملعون معرفی شده یعنی دور از رحمت خدا است زنی که بخواهد مردش را مدیریت کند. «أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَ كُلُّ امْرَأَةٍ تُدَبِّرُهُ امْرَأَةٌ فَهِيَ مَلْعُونَةٌ.» (کافی، ج ۵، ص ۵۱۸). اما خوش به حال زنی که به شوهرش در مدیریت مشورت درست می‌دهد، خطاهای مدیریت شوهرش را مدیریت می‌کند. رحمت خدا بر چنین زنی! شوهر را ضایع نمی‌کند.

بعضی‌ها هم که کالا روحیه خوارج مسلکی را می‌خواهند در خانواده اجرا کنند، می‌گویند چه لزومی دارد که اصلاً خانواده مدیر داشته باشد؟! در حالی که مدیریت در خانواده تقسیم شده است. فرمود زن مدیر خانه است و مرد مدیر خانواده. «کل نفس من بنی آدم سید، فالرجل سید اهله و المراه سیده بیتها» (نهج الفصاحه، ص ۶۱۴) مرد هم اجازه بدهد زن در خانه مدیریت

کند، بچه های این دو مدیر موفق را دیدند خصوصا مدیریت پدر را بعد خودشان ماشاالله یک مدیر موفق خواهند شد. حداقل استعدادش خیلی بیشتر هست.

۳. سپردن مسئولیت

در یک جمله یکی از راه های افزایش توان مدیریتی فرزندان، سپردن مسئولیت است. ما همه اش می گویم بچه است. در حالی می فرماید ۱۸ سالگی یک سن کامل هست. (و سئل ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ، فَقَالَ تَوْبِيخٌ لِابْنِ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً؛ من لایحضره الفقیه ۱/۱۸۶) در واقع سن کمال، هجده سالگی است.

چرا به جوانان مسئولیت نمی دهیم؟ آن وقت توان مدیریت آنها تضعیف می شود حاضر نیست مسئولیت یک خانم را قبول کند ازدواج کند. اما اگر مسئول شد، احساس مسئولیت می کند، مدیریت او قوی می شود.

۴. فرزندآوری و افزایش توان مدیریتی فرزندان

یکی از راه های افزایش توان مدیریت فرزندان، افزایش فرزند آوری است. معمولا بچه های بزرگتر نسبت به خواهر و برادر کوچکتر خودش، احساس مسئولیت می کند سعی می کند او را مدیریت کند یعنی درباره او احساس مسئولیت کند. جدای از اینکه ما در جمعیت، به یک فاجعه رسیدیم.

۵. مشورت گرفتن تا مسئولیت دادن

یکی دیگر از راه های افزایش مدیریت فرزندان مشورت گرفتن هست. حضرت فرمود در از ۱۴ سالگی تا ۲۱ سالگی بچه ها وزیر هستند. فرمود: «قَالَ النَّبِيُّ ص: الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ

سَبَّحَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبَّحَ سِنِينَ...» (مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲) می دانید کار وزیر خیلی بیشتر هست. اصلاً وزیر یعنی کار روی دوش او است. از بچه ها کار و مشورت بخواهید، بچه ها چالش برایشان ایجاد شود، قدرت حل مسئله پیدا کنند، در واقع به نوعی توان مدیریت بچه ها تقویت می شود.

ع. تهیه بازی‌هایی که برنامه‌ریزی و مدیریت را به بچه ها یاد بدهد

یک راه دیگر انتخاب بازی‌های است که انسان را «برنامه‌ریز» بار بیاورد و بازی‌هایی که انسان را مدیر بار بیاورد؛ برای این بازی‌ها هرچقدر پول بدهید و برای بچه‌های تان بخريد، اشکالی ندارد و بچه‌ها هم هرچقدر این بازی‌ها را اجرا کنند اشکالی ندارد. هرچیزی که قدرت برنامه ریزی و حس مسئولیت پذیری را در انسان تقویت کند، راه تقویت مدیریت در بچه ها هست.

چرا در گام دوم، جوانان بیش از چهل بار خطاب قرار گرفتند؟

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، بیش از چهل بار، جوانان را خطاب قرار دادند، و فرمودند بیاید شما مشکلات کشور را حل کنید. هیچ کسی به اندازه مقام معظم رهبری به جوانان مومن نیست. آنها را اینقدر باور ندارد. یعنی رهبری، از مسئولین اینقدر انتظار ندارد که از جوانان انتظار دارد.

مدیریت غرب گرا که الان مملکت را با انبوهی از مشکلات مواجه کردند، تنها راه علاج مشکلات، همین جوان گرایی در مدیریت است که مقام معظم رهبری هم اشاره کردند.

تحول بر دوش جوانان است. خب این جوان از زیر بته که عمل نمی آید. جوان مدیر موفق. این جوان از خانه ای می آید که مادر و پدر به آن فرزند فرصت مدیریت دادند، از مدرسه ای می آید که در آن قدرت مدیریت جوان تقویت شده است.

راه کار اصلی اش هم همین سپردن مسئولیت به او است و اعتماد کردن به جوان های خودمان. ما به صورت خیلی نامحسوس در حال شکست خوردن از دشمن هستیم چرا؟ چون ما اگر تا دو سه سال دیگر جمعیت خودمان را افزایش ندهیم، می افتیم در تل جمعیتی. تل جمعیتی چیست؟ یعنی تا صد سال دیگر ما نمی توانیم از این تله جمعیتی در بیاییم. ما می شویم جز بیست کشور پیر جهان. جوانانمان را نه با قتل عام، بلکه با دست خودمان از دست می دهیم. با کاهش جمعیتی دیگر ما کشور جوانی نخواهیم بود.

پیغمبر و مسئولیت دادن به جوانان

پیغمبر در دوران حاکمیت خودش، به جوانان چقدر مسئولیت داد و اگر آن اتفاق بزرگ رخ داد، به خاطر همین همراهی و احساس مسئولیت جوانان بود. یک نمونه بارزش این بود مکه که مهد ادعای شیخوخیت و بزرگی و پیری بود. بعد از فتح آن به دست یک جوان مدیریت شد.

بعد پیغمبر خواست او را منصوب کند در حکمش نوشت این جمله را که « کسی نگوید سن ایشان کم است و با او به خاطر این که سنش کم است مخالفت کند چرا که بزرگی به فضیلت هست و نه اینکه هرکسی پیر بود پس بزرگ است و ملاک بزرگی و فضیلت هم ولایت ما و دشمنی با دشمنان ما است و به خاطر همین او را مدیر جامعه شما و رئیس قرار دادم؛ وَ لَا يَحْتَجُّ مُحْتَجٌّ مِنْكُمْ فِي مُخَالَفَتِهِ بِصَعْرِ سِنَّهِ، فَلَيْسَ الْأَكْبَرُ هُوَ الْأَفْضَلُ، بَلِ الْأَفْضَلُ هُوَ الْأَكْبَرُ، وَ هُوَ

الْأَكْبَرُ فِي مَوْلَاتِنَا وَ مَوْلَاتِنَا وَ مُعَادَاةِ أَعْدَائِنَا، فَلِذَلِكَ جَعَلْنَاهُ الْأَمِيرَ عَلَيْكُمْ وَ الرَّئِيسَ عَلَيْكُمْ» (بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۲۱).

کدام اقدام عملی موجب تعجیل در فرج می شود؟

برخی می گویند آقا ما برای ظهور می خواهیم قدمی برداریم. کدام اقدام عملی موجب تعجیل در فرج می شود؟ هر اقدامی که مدیریت جوانان را تقویت کند. چون امام زمان عج با مدیران جوان، دنیا را آباد و آزاد می کند. چون فرمود یاران امام زمان عج، که اکثراً هم جوان هستند، چنین ویژگی دارند، توان مدیریت عالم را دارند. فرمود: « وقتی قیام کننده قیام کنید یک ویژگی از شیعیان برداشته می شود و آن ترس است و دیگری اینکه قدرتمند می شوند بعد اینها می شوند مدیران سیاسی عالم؛ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَنَامَهَا.» (خصال، ج ۲، ص ۵۴۱).

در شب میلاد جواد الائمه (ع) ، از حضرت که باب الحوائج هستند، بخواهیم که قدری شبیه جواد الائمه (ع) بشویم، امام جواد ع، را به عنوان الگوی مدیر موفق جوان، بپذیریم و قدرت مدیریت خودمان را با پذیرش مسئولیت های بزرگ افزایش بدهیم.